



آیت‌الله العظمی جواد آملی: ابطال جریان پلورالیسم دینی در سوره‌های انعام و اعراف/ صراط مستقیم یکی است

جریان پلورالیسم دینی هم در سوره انعام آیه 126 آمده است و هم در سوره اعراف که ما بیش از یک صراط نداریم؛ در سوره آل عمران هم آمده که تنها دین مرضی خدا اسلام است، بر همین اساس پلورالیسم دینی باطل است و کثرت دینی قابل قبول نیست.

جریان پلورالیسم دینی هم در سوره انعام آیه 126 آمده است و هم در سوره اعراف که ما بیش از یک صراط نداریم؛ در سوره آل عمران هم آمده که تنها دین مرضی خدا اسلام است، بر همین اساس پلورالیسم دینی باطل است و کثرت دینی قابل قبول نیست.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله العظمی عبدالله جواد آملی، مرجع تقلید شیعیان چهارشنبه، بیست و هفت آذرماه، در تفسیر آیات 5 تا 11 سوره یس در مسجد اعظم قم گفت: خداوند در سوره یاسین بعد از سوگند به قرآن کریم فرمود شما از مرسلین هستید نه تنها از انبیا هستید بلکه از مرسلین هستید و صاحب کتاب هستید و علاوه بر اینها بر صراط مستقیم هستید؛ بر اساس آیات اولیه این سوره همه مرسلین بر یک صراط هستند و دیگر صراط‌های متعدد نخواهیم داشت.

رد جریان پلورالیسم دینی در سوره‌های انعام و اعراف/ صراط مستقیم یکی است

این مرجع تقلید شیعیان عنوان کرد: جریان پلورالیسم دینی و کثرت دینی هم در سوره انعام آیه 126 آمده است و هم در سوره اعراف که ما بیش از یک صراط نداریم. البته راه‌های فرعی که از آنها به شریعت و منهاج عنوان می‌شود وجود دارد و هر دینی فروع خاص خودش را دارد، همچنان که در آیه 48 سوره مائده می‌فرماید «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا؛ برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم» بنابر این هر امت نماز مخصوص، روزه مخصوص، قبله مخصوص و دیگر فروع خاص خودش را دارد. ولی مجموعاً همه ادیان بر یک صراط مستقیم هستند و صراط مستقیم هم یکی است.

صراط و دین جمع ندارد

وی ادامه داد: در سوره هود و مانند آن بیان شده است که خدا بر صراط مستقیم است، بر این اساس تمام کارهای خدا بر صراط مستقیم است و زمانی که پیامبران فرستادگان خدا در میان مردم باشند پس باید آنان که راهیان راه الله هستند؛ نیز در صراط مستقیم باشند. در سوره آل عمران هم آمده که تنها دین مرضی خدا اسلام است، بر همین اساس است که صراط و دین جمع ندارد چرا که همه اینها یکی هستند. بنابراین زمانی که راه یکی است پلورالیسم دینی باطل است و کثرت دینی قابل قبول نیست.

انذار در ایمان آوردن از تبشیر تاثیرگذارتر است

این مفسر قرآن بیان کرد: بر اساس آیه «وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» خداوند می‌فرماید چه آنها را انذار دهی و بترسانی یا نترسانی آنها ایمان نمی‌آورند این نشان می‌دهد که اگر آنها تبشیر هم شوند مومن نمی‌شوند چون که غالباً انذار تاثیر بیشتری در ایمان دارد تا تبشیر. حتی اگر برای اینها برهان هم بیاورید آنها ایمان نمی‌آورند چون آنها در حجاب هستند و صفحه دل و لوح سفیدی که به آنها داده بودیم را پر کرده اند و جای دیگری برای چیز دیگر نگذاشته‌اند.

چرا خداوند بر دل‌های مشرکان مهر می‌زند؟

آیت‌الله جواد اظهار کرد: وقتی آنها آنقدر این لوح سفید را سیاه کردند که به وضوح می‌گویند چه ما را انذار کنی چه نکنی تفاوتی ندارد اینها جایی برای نور در لوح سفید نگذاشته‌اند و زمانی که آنها این لوح سفید را سیاه کرده‌اند پس ما هم به این لوح سیاه مهر می‌زنیم. این مفهوم همان چیزی است که خداوند در آیه 6 سوره بقره بیان کرده است: «حَتَّمُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ خداوند بر دلهای آنان و بر شنوایی ایشان مهر نهاده و بر دیدگان‌شان پرده‌ای است و آنان را عذابی دردناک است».

وی ادامه داد: مفهوم «غل» در آیه 8 سوره یاسین این است که دست‌ها را به گردن می‌بندند تا زیر چانه که نتواند سرخم کند و روشن شد که این شخص آینده را نمی‌تواند ببیند از گذشته هم خبر ندارد و جلوی پای خود را هم نمی‌تواند ببیند. اینها در حقیقت مقمح هستند. آنها سر به هوا هستند و از شدت هراس چشم‌شان بسته است. بنابراین این فرد اگر چه سرش به هوا است نمی‌تواند بالا را هم ببیند. تمام آیات در این باره نشان دهنده این است که آنها بالا را هم نمی‌بینند چون مغضوض البصر هستند و چشم‌شان نمی‌بیند. وضع این گونه افراد در قیامت نیز همین گونه است.

آیت‌الله جوادی آملی بیان کرد: در آیه 7 سوره لقمان نیز بیان شده است «وَإِذَا ثَلَّى عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ و هنگامی که آیات ما بر او خوانده شود، متکبرانه روی می‌گرداند، چنان که گویی آنها را نشنیده است؛ گویی در هر دو گوشش سنگینی افتاده و کر شده است؛ پس او را به عذابی دردناک بشارت ده» مشرکان اول گویا نمی‌شنوند اما در آخر اصلاً نمی‌شنوند و انگار گوش‌شان کر شده است و آیات الهی را افسانه می‌خوانند. اینها بر خلاف مومنان به جای اینکه گویا نشنیدن را تبدیل کنند به شنیدن آن را تبدیل می‌کنند به کری مانند همان بت‌ها و چوب‌ها.

این مرجع تقلید تصریح کرد: این گروه در قیامت به همین وضعی که در پایان سوره ابراهیم آمده است دچار می‌شوند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ (42) مَهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ؛ و تو ای انسان میندار که خدا از آنچه ستمکاران غرق در ناز و نعمت انجام می‌دهند بی‌خبر است؛ جز این نیست که کیفر آنان را تا روزی که چشم‌ها از ترس خیره می‌شود به تأخیر می‌افکند (42) در حالی که گردن‌هایشان را کشیده و سرهایشان را بالا آورده‌اند، و بر اثر ترس پلک‌هایشان بر هم نمی‌آید و دل‌هایشان از هر چاره و تدبیری تهی است».

گناه؛ حجابی که دیده نمی‌شود

وی ادامه داد: دل اینها خالی است سرشان بالاست اما قدرت این که بخواهند این طرف و آن طرف را ببینند، ندارند؛ اینها همان کسانی بودند که در دنیا سر به هوا بودند. بنابراین آنها در حجاب هستند و این حجاب، تنها حجاب مادی نیست و حجاب معنوی را هم شامل می‌شود. حجاب گاهی دیدنی است مانند دیوار و در و پرده و ... و گاهی پنهان است که انسان آن را نمی‌بیند مثل گناه که به واقع گناه حجابی است که دیده نمی‌شود.

آیت‌الله جوادی در تفسیر آیه «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ؛ تو فقط کسی را هشدار می‌دهی و هشدار تو برای او سودمند است که قرآن را تصدیق کند و به سمت و سوی آن گراید و از خدای رحمان که برای او در حجاب است، بهراسد و در عین حال به رحمتش امیدوار باشد. چنین کسی را به آمرزش گناهان و بهشت که پاداشی ارجمند است نوید ده» گفت: چقدر این کتاب شیرین است وقتی که می‌خواهد بترساند می‌گوید از خدای رؤف بترسید در حالی که این دو با هم تناسب ندارند. انسان‌ها وقتی می‌خواهند کسی را بترسانند از آدم منتقم می‌ترسانند اما قرآن این گونه حرف نمی‌زند می‌گوید از کسی که بخشنده است بترس.

خضوع انسان در مقابل خداوند باید ادیبانه و مودبانه باشد

وی تاکید کرد: بر اساس این آیه خشیت و خضوع انسان در مقابل خداوند باید ادیبانه و مودبانه باشد؛ چرا که این همه رحمت کرد این همه لطف کرد و تا آنجایی که حتی اگر انسان نترسید باز هم رحمت می‌کند مگر اینکه انسان خودش در رحمت را ببندد چرا که او «دائم الفضل علی البریه» است. اینجا سخن از رحمت است سخن از مغفرت است سخن از اجر کریم است. اگر انسان بعد از مردن می‌پوسید حرفی نبود اما وقتی از پوست در می‌آید و به جهان ابد سفر می‌کند دست خالی رفتن کار آسانی نیست.